

The Cycle of Domination: An Analysis of the Dialectic of Arrogance and Oppression in the Qur'an and the Discourse of Resistance (with Emphasis on the Thought of the Martyred Leader Grand Ayatollah Sayyid Ali Khamenei)*



Seyed Sajjad Ale Seyed Ghafoor 

Researcher, Research Center for Qur'anic Sciences Studies, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. aleghafoor@isca.ac.ir

Abstract

The absence of a systematic explanation of the Qur'anic concepts of arrogance (*istikbār*) and oppression or marginalization (*istid'āf*) as an analytical framework for understanding systems of domination has created a theoretical gap. This deficiency has often prevented strategies of resistance from attaining the conceptual and operational coherence necessary for effective confrontation. The present study aims to clarify the dialectical relationship between the Qur'anic concepts of *istikbār* and *istid'āf* as two central categories for analyzing systems of domination and to examine the place of this conceptual duality in the thought of the martyred leader, Grand Ayatollah Sayyid Ali Khamenei. The research employs a descriptive-analytical methodology and relies on library-based sources, including Qur'anic verses, narrations, and the statements and

* **Cite this Article:** Ale Seyed Ghafoor, S. S. (2025). The cycle of domination: An analysis of the dialectic of arrogance and oppression in the Qur'an and the discourse of resistance (with emphasis on the thought of the martyred leader Grand Ayatollah Sayyid Ali Khamenei). *Jurisprudence and Politics*, 6(12), pp. 263–290. <https://doi.org/10.22081/ijp.2026.74722.1121>

▣ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran

▣ **Received:** 2025/03/29 • **Revised:** 2025/06/04 • **Accepted:** 2025/06/27 • **Published online:** 2025/09/29

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



writings attributed to Ayatollah Khamenei. Data were collected with a focus on evidence indicating the intrinsic and oppositional relationship between these two concepts and were analyzed through a thematic interpretation of the Qur'an using a descriptive-analytical approach. The findings demonstrate that *istikbār* (self-aggrandizement and rebellion against truth) and *istid'āf* (being kept in a state of weakness and dependency) exist in a reciprocal and causal relationship. Systems of arrogance and domination require the production and maintenance of intellectual, cultural, economic, and political weakness within target societies in order to sustain and reproduce their power. Conversely, the continuation of conditions of oppression and weakness contributes to the preservation and reinforcement of arrogant and dominating systems. Within the framework examined in this study, modern Western civilization is interpreted as a manifestation of a global system of arrogance characterized by features such as secularism, materialism, and liberalism, and is viewed as employing various mechanisms to impose systematic forms of domination upon other nations. In contrast, the discourse of the Islamic Revolution, grounded in the Qur'anic promise that the oppressed shall inherit the earth, seeks to break this cycle and restore the agency of oppressed peoples in determining their own destinies. The study argues that understanding this reciprocal relationship provides an essential key to analyzing the nature of systems of domination and formulating strategies of active resistance aimed at overcoming conditions of oppression and confronting global structures of power. Rooted in fundamental Qur'anic concepts, this analytical framework offers a model for understanding the ongoing struggle between truth and falsehood in the contemporary world.

Keywords

Qur'anic Scientific Authority; Arrogance (*Istikbār*); Oppression (*Istid'āf*); Systems of Domination; Political Thought of Grand Ayatollah Sayyid Ali Khamenei.

دورة السلطة: تحليل جدلية الاستكبار والاستضعاف في القرآن وخطاب المقاومة (مع التركيز على فكر القائد الشهيد آية الله العظمى السيد علي الخامنئي)*



سيد سجاد آل سيد غفور  ID

باحث رسمي في مركز دراسات علوم القرآن، المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران.
aleghafoor@isca.ac.ir

الملخص

إنّ فقدان تبيان منهجيّ لمفهوميّ الاستكبار والاستضعاف القرآنيين كإطار تحليلي لفهم نظام الهيمنة الغربي، قد أدى إلى أن تفتقر أساليب المواجهة إلى الانسجام المفاهيمي والعمليّ اللازم. يهدف هذا البحث إلى شرح العلاقة الجدلية بين مفهوميّ الاستكبار والاستضعاف القرآنيين، باعتبارهما مفهومين محوريين في تحليل نظام الهيمنة، ودراسة مكانة هذا الثنائي في فكر الإمام الشهيد آية الله العظمى السيد علي الخامنئي. قد تمّ إجراء هذا البحث باستخدام المنهج الوصفي التحليلي، بالاعتماد على المصادر المكتوبة (آيات القرآن الكريم، الروايات، وتصريحات القائد الشهيد آية الله العظمى الخامنئي). وتمّ جمع معلومات البحث مع التركيز على الأدلة التي تشير إلى العلاقة الذاتية الجوهرية والتقابلية بين هذين المفهومين، وتحليلها بمنهج التفسير الموضوعي للقرآن الكريم مع اتباع نهج وصفي تحليلي. تُظهر النتائج أنّ الاستكبار (الغطرسة والتجاوز في مواجهة الحق) والاستضعاف (البقاء في

* الاستشهاد بهذه المقالة: آل سيد غفور، السيد سجّاد. (۲۰۲۵). دورة السلطة: تحليل جدلية الاستكبار والاستضعاف في القرآن وخطاب المقاومة (مع التركيز على فكر القائد الشهيد آية الله العظمى السيد علي الخامنئي). الفقه والسياسة، ۶(۲)، صص ۲۶۳-۲۹۰.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.74722.1121>

□ نوع المقال: بحثية؛ الناشر: المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران

□ تاريخ الإستلام: ۲۰۲۵/۰۲/۲۹ • تاريخ التعديل: ۲۰۲۵/۰۶/۰۴ • تاريخ القبول: ۲۰۲۵/۰۶/۲۷ • تاريخ الإصدار: ۲۰۲۵/۰۹/۲۹

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



حالة ضعف) يقعان في علاقة سببية ومتبادلة. وبهذه الطريقة، يحتاج نظام الغطرسة، لتثبيت نفسه واستمراره، إلى إحداث استضعاف فكري وثقافي واقتصادي وسياسي في المجتمع المستهدف. ومن ناحية أخرى، فإن استمرار حالة الاستضعاف يمهّد لبقاء النظام المستكبر. في فكر آية الله العظمى الخميني (قدس سرّه)، الحضارة الغربية بمؤشراتها مثل إنكار الله، والمادية، والليبرالية، هي مثال واضح لنظام الاستكبار العالمي الذي يستضعف الأمم الأخرى بشكل منهجي بأدوات مختلفة. في المقابل، خطاب الثورة الإسلامية بشعار "المستضعفون هم وارثون العالم وسادتها"، يسعى إلى كسر هذه الدورة وإحياء دور المستضعفين في تقرير مصيرهم. إن فهم هذه العلاقة التفاعلية هو مفتاح تحليل طبيعة نظام الهيمنة وتقديم استراتيجية مقاومة فعّالة للفروج من حالة الاستضعاف ومواجهة الغطرسة العالمية. يوفّر هذا الإطار التحليلي، المتجذر في مفاهيم قرآنية خالصة، نموذجاً فعّالاً لتفسير المواجهة بين جبهات الحق والباطل في عصرنا الحالي.

الكلمات المفتاحية

المرجعية العلمية للقرآن، الاستكبار، الاستضعاف، نظام الاستكبار، الفكر السياسي للإمام الشهيد آية الله العظمى خامنئي.



چرخه سلطه؛ واکاوی دیالکتیک استکبار و استضعاف در قرآن و گفتمان مقاومت (با تأکید بر اندیشه رهبر شهید آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای)*



سیدسجاد آل سیدغفور 

محقق رسمی پژوهشکده مطالعات علوم قرآن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.
aleghafoor@isca.ac.ir

چکیده

فقدان تبیین منظومه‌ای از مفاهیم قرآنی استکبار و استضعاف به‌عنوان چارچوبی تحلیلی برای شناخت نظام سلطه غرب، این خلأ نظری باعث شده رویکردهای مقابله، از انسجام مفهومی و عملیاتی لازم برخوردار نباشند. این پژوهش با هدف تبیین رابطه دیالکتیکی مفاهیم قرآنی استکبار و استضعاف به‌عنوان دو مفهوم محوری در تحلیل نظام سلطه، و بررسی جایگاه این دوگانه در اندیشه امام شهید آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای علیه السلام انجام شده است. تحقیق حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای (آیات قرآن کریم، روایات و بیانات رهبر شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای) انجام شده است. داده‌ها با تمرکز بر شواهد دال بر ارتباط ذاتی و تقابلی این دو مفهوم گردآوری و با روش تفسیر موضوعی قرآن با رویکرد توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که استکبار (خودبرتربینی و طغیان در برابر حق) و استضعاف (در ضعف نگاه داشته شدن) در یک رابطه علی و متقابل قرار دارند. به

* **استناد به این مقاله:** آل سیدغفور، سیدسجاد. (۱۴۰۴). چرخه سلطه؛ واکاوی دیالکتیک استکبار و استضعاف در قرآن و گفتمان مقاومت (با تأکید بر اندیشه رهبر شهید آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای). *فقه و سیاست*، ۲۶(۲)، صص ۲۶۳-۲۹۰.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.74722.1121>

▣ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

▣ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۹ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۳/۱۴ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۶ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۰۷

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



<http://ijp.isca.ac.ir>

این ترتیب که نظام استکبار برای تثبیت و تداوم خود، نیازمند ایجاد استضعاف فکری، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در جامعه هدف است. از سوی دیگر، تداوم حالت استضعاف، زمینه‌ساز بقای نظام مستکبر می‌شود. در اندیشه شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای^{علیه‌السلام}، تمدن غرب با شاخصه‌هایی چون انکار خداوند، مادی‌گرایی و لیبرالیسم، مصداق بارز نظام استکبار جهانی است که با ابزارهای گوناگون به استضعاف سیستماتیک سایر ملل می‌پردازد. در مقابل، گفتمان انقلاب اسلامی با شعار مستضعفان صاحبان زمین خواهند شد، در پی شکستن این چرخه و احیای نقش‌آفرینی مستضعفان در تعیین سرنوشت خویش است. درک این رابطه دو سویه، کلید تحلیل ماهیت نظام سلطه و ارائه راهبرد مقاومت فعال برای خروج از وضعیت استضعاف و مقابله با استکبار جهانی است. این چارچوب تحلیلی، که ریشه در مفاهیم ناب قرآنی دارد، الگویی کارآمد برای تبیین تقابل جبهه حق و باطل در عصر حاضر ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها

مرجعیت علمی قرآن، استکبار، استضعاف، نظام سلطه، اندیشه سیاسی امام شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.

۱. مقدمه

پس از فروریزی نظام دوقطبی و استقرار ادعایی نظم نوین جهانی در پایان قرن بیستم، این توهم در میان نظریه پردازان غربی قوت گرفت که لیبرال دموکراسی غربی به عنوان پایان تاریخ (فوکویاما، ۱۳۹۵، ص ۴۵) ظاهر شده و الگویی جهان شمول برای تمامی ملل و تمدن هاست. اما به زودی آشکار شد که این نظم نوین، در حقیقت شکلی پیچیده تر و پوشیده تر از سلطه گری است که تحت لوای فرینده جهانی سازی، به استثمار سیستماتیک اقتصادی و تهاجم همه جانبه فرهنگی - فکری علیه ملت ها می پردازد. در این بستر تاریخی، گفتمان انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، نه به عنوان یک پدیده تنها ملی یا منطقه ای، بلکه به مثابه یک آلترناتیو تمدنی اصیل با شعار بنیادین نه شرقی، نه غربی ظاهر شد. هسته سخت این گفتمان را مفهوم مقاومت تشکیل می دهد؛ مقاومتی که ریشه در جهان بینی الهی و توحیدی دارد و برای تحلیل خود از نظام سلطه، به سراغ مفاهیم اصیل و بنیادین قرآنی رفته است.

از نظر روش شناختی، این پژوهش با بهره گیری از روش تفسیر موضوعی قرآن (موضوع - محور) و با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

مفاهیم استکبار و استضعاف از جمله کلیدی ترین مبانی قرآنی این گفتمان هستند. با این حال، علی رغم تعدد اشاره ها و استنادهای متعدد به این مفاهیم در متون دینی و آثار اندیشمندان اسلامی، اغلب تحلیلی یکپارچه و نظام مند که بتواند پیوند دیالکتیکی آنها و نقش تعیین کننده شان در پویایی های قدرت جهانی را تبیین کند، ارائه نشده است. این مقاله بر این فرض استوار است که این دو مفهوم، در یک رابطه متقابل و چرخه ای ناگسستنی قرار دارند و فهم عمیق این رابطه، کلید درک ماهیت نظام سلطه و راه مقابله با آن است؛ بنابراین، این پژوهش در گام اول به تبیین مبانی مفهومی و ریشه شناختی این دو اصطلاح در قرآن کریم می پردازد. سپس، با تحلیل رابطه دیالکتیکی آنها، الگویی نظری تحت عنوان چرخه سلطه ارائه می دهد. در ادامه، با تمرکز بر بیانات رهبر شهید آیت الله العظمی خامنه ای رحمته الله علیه، تمدن غرب به عنوان مصداق عینی نظام مستکبر جهانی

تحلیل شده و در نهایت، گفتمان مقاومت فعال به عنوان راهبرد شکستن این چرخه و احیای نقش تاریخی مستضعفان معرفی می‌شود.

۲. مبانی مفهومی: استکبار و استضعاف در قرآن کریم

قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت، مفاهیم استکبار و استضعاف را نه به شکل انتزاعی، بلکه در بستر داستان‌های انبیا و جوامع تاریخی توصیف می‌کند. این مفاهیم، بخشی از سنت‌های الهی (سنن الله) هستند که الگوهای تکرارشونده در تاریخ بشر را نشان می‌دهند. شهید آیت الله العظمی امام خامنه‌ای در بیانات خود، بر این نکته تأکید دارند که درک این مفاهیم، کلید فهم تقابل حق و باطل در عصر حاضر است. ایشان می‌فرمایند: استکبار یعنی خود بزرگ‌بینی، خود را برتر دانستن از دیگران و حق را انکار کردن، که این ریشه همه ظلم‌ها است (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۰۸/۰۹).

۱-۲. مفهوم استکبار: از ردیلت اخلاقی تا نظام جهانی سلطه

در نگاه سطحی و ابتدایی، استکبار ممکن است تنها به عنوان یک ردیلت اخلاقی ساده مانند تکبر یا غرور شخصی تفسیر شود، که فرد را از تعامل سالم با دیگران بازمی‌دارد و منجر به انزوا یا تعارضات فردی می‌شود. اما قرآن کریم با عمق بخشیدن به این مفهوم و لایه‌برداری از ابعاد پنهان آن، استکبار را به یک الگوی ثابت تاریخی (سنت الله) و منطبق حاکم بر نظام‌های باطل ارتقا می‌دهد. این تحول مفهومی نه تنها یک توصیف اخلاقی است، بلکه یک تحلیل ساختاری از چگونگی شکل‌گیری و تداوم سلطه در تاریخ بشر ارائه می‌کند. برای درک دقیق این تحول مفهومی، باید به ریشه‌یابی قرآنی آن پرداخت و بررسی کرد که چگونه استکبار از یک ویژگی فردی به یک سیستم جهانی تبدیل می‌شود. رهبر شهید آیت الله العظمی خامنه‌ای در این زمینه تأکید می‌کنند که استکبار، پایه‌ای برای همه نظام‌های ظالمانه است و مقابله با آن، وظیفه‌ای الهی است (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۳/۲۵).

ریشه‌شناسی قرآنی و تحلیل داستان ابلیس: سرآغاز هستی‌شناختی استکبار را می‌توان

در امتناع ابلیس از سجده بر آدم علیه السلام جستجو کرد. خداوند در آیات متعدد به این حادثه اشاره می‌کند: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره، ۳۴). این واقعه، که در سوره‌های مختلفی مانند اعراف (آیه ۱۲)، اسراء (آیه ۶۱)، کهف (آیه ۵۰)، طه (آیه ۱۱۶) و ص (آیه ۷۴) تکرار می‌شود، نشان‌دهنده یک الگوی بنیادین است. تحلیل این واقعه چند لایه کلیدی را آشکار می‌سازد و به ما کمک می‌کند تا استکبار را نه به عنوان یک احساس گذرا، بلکه به عنوان یک فرآیند وجودی درک کنیم. در واقع، این داستان، نمادی از آغاز تقابل بین اطاعت الهی و خودمحوری است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ذیل همین آیه، استکبار ابلیس را نه یک گناه ساده، بلکه خروج از صراط عبودیت و خودخدایی معرفی می‌کند که الگویی برای تمام مستکبران تاریخ است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۹۶).

امتناع از اطاعت (أبی): این اولین جلوه استکبار است؛ نافرمانی از فرمان مستقیم خداوند که ناشی از خودمحوری و قرار دادن خواست خود در برابر اراده الهی است. ابلیس نه تنها سجده نکرد، بلکه این امتناع را با توجیحات شخصی همراه کرد، که نشان‌دهنده آغاز یک منطق باطل است. این امتناع، در واقع، انکار اصل توحید عملی است و پایه‌ای برای هر نوع سلطه‌گری می‌شود. قرآن در سوره اعراف آیه ۱۳ می‌فرماید: «قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ»، که نشان‌دهنده تنبیه الهی برای این استکبار است.

خودبرترینی نژادی و وجودی (استکبر): دلیل این امتناع، حس برتری جویی بود: «قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» (اعراف، ۱۲). اینجا استکبار، یک مقایسه باطل و انکار کرامت وجودی دیگری (آدم) است. این برتری جویی نه تنها نژادی (آتش در برابر خاک) بلکه وجودی است، زیرا ابلیس خود را برتر از خلقت الهی می‌پندارد. این لایه نشان می‌دهد که استکبار همیشه با انکار ارزش دیگری همراه است و پایه‌ای برای تبعیض و سلطه فراهم می‌کند. در سوره ص، آیه ۷۶، ابلیس می‌گوید: «أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ»، که تکرار این توجیه باطل است.

پیوند ناگسستگی با کفر (كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ): این سه گام (امتناع، استکبار، کفر) نشان

می‌دهد که استکبار تنها یک حس درونی نیست، بلکه به یک موضع‌گیری وجودی (کفر) در برابر حق منجر می‌شود؛ بنابراین، استکبار در بنیاد خود، یک کفر عملی است که نه تنها انکار خدا، بلکه انکار هر گونه نظام ارزشی الهی است. این پیوند، استکبار را از حوزه اخلاق فردی خارج کرده و به یک تهدید وجودی برای جامعه انسانی تبدیل می‌کند. قرآن در سوره اسراء آیه ۶۱ این را با «كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» تأکید می‌کند.

سیر تحول از خصیصه فردی به نظام تمام‌عیار سلطه: قرآن کریم با روایت داستان مستکبران تاریخ، نشان می‌دهد که این خصلت چگونه از فرد فراتر رفته و به یک ساختار اجتماعی-سیاسی پیچیده تبدیل می‌شود. فرعون نمونه‌ی اعلای این تحول است. او نه تنها فردی متکبر بود، بلکه یک نظام فرعون‌بنی بنا نهاد که ویژگی‌های آن عبارت بود از: سلطه بر مردم، استفاده از قدرت برای سرکوب، و ایجاد یک سیستم ایدئولوژیک برای توجیه اقدامات خود است. علاوه بر فرعون، داستان قارون نیز مثال دیگری است که استکبار اقتصادی را نشان می‌دهد: «إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ» (قصص، ۷۶)، که نشان‌دهنده چگونگی تبدیل استکبار به استثمار اقتصادی است. همچنین، در سوره یونس آیه ۷۵، از فرعون و قومش به‌عنوان مستکبرین یاد می‌شود: «ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُّوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ».

علو و طغیان در زمین: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ» (یونس، ۸۳). این "علو" تنها بلندپروازی شخصی نیست، بلکه به معنای تسلط‌طلبی و گسترش حاکمیت ظالمانه بر مردم و قلمروهاست. فرعون با ادعای الوهیت («أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى» نازعات، ۲۴) خود را فراتر از هر محدودیتی قرار داد و یک نظام ایدئولوژیک برای سلطه ایجاد کرد. این ادعا در سوره زخرف آیه ۵۱ نیز تکرار می‌شود: «فَقَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ».

تفرعن و ستمگری: «إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ» (دخان، ۳۱). تفرعن، مرحله‌ای پس از تکبر است که در آن فرد یا نظام، خود را فراتر از هر قانون و محدودیتی می‌داند و به اسراف و تجاوز به حقوق دیگران می‌پردازد. این اسراف نه تنها مادی، بلکه شامل اسراف در قدرت و سرکوب است. در سوره قصص آیه ۴، از استضعاف فرعون‌یاد

می شود: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يَتَّبِعُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ».

تجزیه جامعه و استثمار گروه‌ها: فرعون به صراحت می گوید: «وَأَنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ» (یونس، ۸۳) و استراتژی خود را براساس استضعاف بنی اسرائیل بنا نهاد: «إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ * وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذُرْكُمُ الْأَهْتَكُ» (اعراف، ۱۲۷). این نشان می دهد نظام‌های مستکبر برای حفظ قدرت، نیازمند ایجاد "دیگری" (مستضعف) هستند. آنها جامعه را به گروه‌های برتر و فرودست تقسیم می کنند تا کنترل آسان تر شود. در سوره غافر آیه ۴۷، از استکبار قوم نوح یاد می شود: «وَإِذْ يَتَحَاوُونَ فِي النَّارِ قِيْقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَبَرُونَ عَنَّا نِصِيبًا مِّنَ النَّارِ».

شاکله و ارکان نظام مستکبر در عصر حاضر: از تحلیل آیات می توان یک تئوری نظام مند از ساختار استکبار استخراج کرد، که نه تنها تاریخی، بلکه قابل اعمال به جوامع مدرن است. آیت الله العظمی خامنه‌ای در بیانات خود، تمدن غرب را نمونه‌ای از این نظام می داند و می فرماید: استکبار امروز، با ابزارهای نوین، همان کار فرعون را می کند، اما پیچیده تر. (شهید امام خامنه‌ای، ۱۴۰۳/۱۲/۲۲).

بنیاد معرفت شناختی؛ اومانیسم و طرد امر متعالی: در قلب نظام مستکبر، انسان به عنوان محور و معیار نهایی همه ارزش‌ها قرار دارد. این نگاه، هرگونه مرجعیت فرابشری (خدا، وحی، سنت‌های الهی) را نفی می کند. حقیقت، امری نسبی و برساخته قدرت و خواست بشر می شود. این بنیاد، پایه‌ای برای ایدئولوژی‌های سکولار مدرن فراهم می کند که در آن اخلاق براساس سودمندی تعریف می شود. قرآن در سوره زمر آیه ۶۰، استکبار را با کفر مرتبط می کند: «أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُسْتَكْبِرِينَ».

هدف استراتژیک؛ تأمین هژمونی و انباشت قدرت و ثروت: هدف نهایی، سلطه بر منابع مادی و انسانی جهان و به حاشیه راندن هر رقیب بالقوه است. این سلطه، صرفاً اقتصادی نیست، بلکه فرهنگی، سیاسی و امنیتی است. در عصر حاضر، این هدف از طریق نهادهای جهانی مانند سازمان تجارت جهانی پیگیری می شود. شهید آیت الله

العظمی خامنه‌ای تأکید می‌کنند که این هژمونی، نتیجه استکبار است و باید با استکبارستیزی مقابله کرد (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۴/۳۱).

روش‌های عملیاتی چندوجهی: نظام مستکبر از یک جعبه ابزار کامل استفاده می‌کند که شامل لایه‌های پنهان و آشکار است. این روش‌ها، از قرآن الهام گرفته و در داستان‌های انبیا دیده می‌شود.

ابزار فرهنگی: مهندسی فرهنگی از طریق رسانه‌ها، سیستم‌های آموزشی و نهادهای فرهنگی برای ایجاد "هژمونی فرهنگی" (گرامشی، ۱۴۰۳، ص ۱۰۵) و القای برتری ذاتی الگوی زندگی غربی. این ابزار، با تولید محتوای رسانه‌ای، باورهای سستی را تضعیف می‌کند. در قرآن، فرعون با جادوگران خود (اعراف، ۱۱۶) سعی در فریب مردم داشت.

ابزار اقتصادی: ایجاد نظام وابستگی از طریق نهادهای مالی بین‌المللی (صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی)، تحریم‌های یکجانبه، کنترل بازارهای جهانی و تحمیل قراردادهای ناعادلانه. این وابستگی، کشورها را در چرخه بدهی نگه می‌دارد. مثال قارون در قرآن، نماد این استکبار اقتصادی است.

ابزار سیاسی: براندازی نرم، دخالت در انتخابات، حمایت از گروه‌های مخالف، اعمال فشار دیپلماتیک و استفاده از نهادهای بین‌المللی برای مشروعیت‌زدایی از حکومت‌های مستقل. مثال‌های مدرن مانند دخالت در امور داخلی کشورهای آمریکای لاتین این را نشان می‌دهد. قرآن در سوره یونس آیه ۸۳، از ملاً فرعون به‌عنوان حامیان سیاسی یاد می‌کند.

ابزار نظامی: استفاده از جنگ سخت به‌عنوان آخرین حربه، اما دائماً با نمایش قدرت نظامی و ایجاد ترس، به‌عنوان یک اهرم بازدارنده روانی عمل می‌کند. پایگاه‌های نظامی جهانی، بخشی از این ابزار هستند. در قرآن، فرعون با لشکر خود (قصص، ۸) سلطه می‌کرد.

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در بیانات خود، این ارکان را با مثال‌های معاصر تبیین می‌کنند و تأکید دارند که استکبار، یک پدیده جهانی است که باید با بیداری اسلامی مقابله شود (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۰۹/۰۶).

۲-۲. مفهوم استضعاف: از ضعف ذاتی تا موقعیت تحمیل شده

درک صحیح از استضعاف کلید فهم رابطه دیالکتیکی آن با استکبار است. این مفهوم با ضعف یا فقیر بودن تفاوت ماهوی دارد و نشان‌دهنده یک فرآیند فعال سلطه است. قرآن در بیش از ۱۰ آیه به استضعاف اشاره دارد، مانند سوره نساء آیه ۷۵: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا».

تحلیل ریشه‌شناختی و تمایز بنیادین: استضعاف از باب استفعال در زبان عربی به معنای خواستن و درخواست کردن ضعف برای دیگری یا به حالت ضعف درآوردن است. این ساختار دستوری به وضوح نشان می‌دهد که استضعاف یک عملکرد فعالانه از سوی یک فاعل است. در مقابل، ضعف یک حالت ممکناً طبیعی یا موقتی است. آیه شریف «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ» (قصص، ۵) به روشنی بر این موضوع دلالت دارد که گروهی مشخص در زمین به حالت ضعف نگاه داشته شده‌اند؛ یعنی یک عامل خارجی (نظام فرعون) عامدانه مانع از قدرت‌یابی و شکوفایی آنان شده است؛ بنابراین، مستضعف، "قربانی یک پروژه سلطه" است. این تمایز، استضعاف را از یک وضعیت طبیعی به یک موقعیت تحمیلی تبدیل می‌کند که قابل تغییر است. در مقاله "گونه‌شناسی استضعاف و ماهیت آن در قرآن کریم" (قرآن و طب)، استضعاف به‌عنوان یک پدیده اجتماعی توصیف شده که علل و راهکارهای آن در قرآن بیان شده است.

ابعاد پیچیده و درهم‌تنیده استضعاف: استکبار مدرن، استضعاف را در ابعاد گوناگون و به شکل سیستماتیک پیاده می‌کند، که هر بُعد بر دیگری تأثیر می‌گذارد. آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در بیانات خود، مستضعفان را مخاطب اصلی انقلاب می‌داند و می‌فرماید: پیام انقلاب خطاب به مستضعفان عالم است (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۴/۰۴).

استضعاف فکری و فرهنگی (عمیق‌ترین و خطرناک‌ترین بُعد): در این بُعد، نظام مستکبر با استفاده از ابزارهای پیشرفته رسانه‌ای، آموزشی و فرهنگی، اقدام به تخریب هویت و شستشوی مغزی می‌کند. اهداف این بُعد عبارتند از:

القای این باور که تمدن غربی، یگانه‌الگوی مشروع و ممکن برای پیشرفت و

سعادت است. این القای باور از طریق فیلم‌ها، کتاب‌ها و برنامه‌های آموزشی انجام می‌شود. قرآن در سوره نساء آیه ۹۷، از استضعاف فکری سخن می‌گوید: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا».

رضا داوری اردکانی نیز پدیده غرب‌زدگی را حاصل همین خودباختگی فرهنگی می‌داند که در آن ملت‌ها بدون نیاز به سلطه مستقیم نظامی، ارزش‌ها و الگوهای غربی را به‌عنوان معیار پیشرفت می‌پذیرند (داوری اردکانی، ۱۳۹۴، ص ۸۵).

تحقیق تاریخ، فرهنگ، دین و ارزش‌های ملت‌های غیر غربی و ایجاد خودباختگی فرهنگی. مثال‌هایی مانند تحریف تاریخ استعمار در کتاب‌های درسی غربی این را نشان می‌دهد.

ترویج سکولاریسم به‌عنوان تنها عقلانیت قابل قبول، که نتیجه آن قطع ارتباط ملت‌ها از سرچشمه‌های معنوی و هویتی خود است. این ترویج، منجر به بحران هویت در جوامع می‌شود.

یک مستضعف فکری، حتی قدرت تصور "امکان یک جهان دیگر" را از دست می‌دهد و در دام "تقدس‌زدایی از جهان" می‌افتد. این بُعد، پایه‌ای برای پذیرش سلطه بدون مقاومت فراهم می‌کند. در مقاله "بیان قرآن درباره مستضعفان و مستکبران" (آیین رحمت)، استضعاف به‌عنوان نقطه مقابل استکبار توصیف شده است.

استضعاف اقتصادی (زنجیر محسوس وابستگی): این بعد با مکانیزم‌های متعددی محقق می‌شود که اقتصاد را به ابزاری برای کنترل تبدیل می‌کند:

وابستگی ساختاری: طراحی نظام اقتصادی جهانی به گونه‌ای که کشورهای پیرامونی همواره تأمین‌کننده مواد خام و مصرف‌کننده کالاهای صنعتی کشورهای مرکز باشند. این ساختار، از دوران استعمار کهنه به ارث رسیده است.

استثمار از طریق بدهی: تحمیل وام‌های کلان از طریق نهادهای بین‌المللی که با شروط سنگین سیاسی و اقتصادی همراه است و حاکمیت ملی کشورها را مخدوش می‌کند. کشورهایی مانند یونان در بحران بدهی، مثال این هستند.

تحریم به عنوان سلاح: استفاده از تحریم‌های اقتصادی به عنوان ابزاری برای تنبیه ملت‌هایی که از دستورات نظام مستکبر ترمرد می‌کنند. هدف این تحریم‌ها، فلج کردن اقتصاد و ایجاد نارضایتی عمومی برای فشار آوردن به حکومت‌هاست. تحریم‌های علیه ایران و ونزوئلا نمونه‌های مدرن هستند. آیت‌الله العظمی خامنه‌ای تحریم‌ها را تروریسم اقتصادی می‌داند.

غارث منابع طبیعی: کنترل و بهره‌برداری از منابعی مانند نفت و گاز کشورهای دیگر با قراردادهای ناعادلانه. شرکت‌های چندملیتی نقش کلیدی در این غارت دارند. قرآن در سوره قصص آیه ۵، وعده نجات مستضعفان از این غارت را می‌دهد.

استضعاف سیاسی (سلب اراده و حاکمیت): در این بُعد، حاکمیت ملی و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها نقض می‌شود و سیاست به ابزاری برای سلطه تبدیل می‌شود:

۱) حکومت‌های دست‌نشانده: نصب و حمایت از حکومت‌های وابسته که مطیع دستورات بیگانگان هستند. مثال‌هایی مانند حکومت‌های وابسته در خاورمیانه پس از جنگ جهانی دوم.

۲) مهندسی انتخابات و کودتا: دخالت در فرآیندهای دموکراتیک یا سازماندهی کودتا برای بر سر کار آوردن افراد و گروه‌های مطیع. کودتای ۱۹۵۳ در ایران نمونه‌ای تاریخی است.

۳) فشار از طریق نهادهای بین‌المللی: استفاده از شورای امنیت، دادگاه‌های بین‌المللی و سازمان‌های حقوق بشری برای تحت فشار قرار دادن کشورهای مستقل. این فشارها اغلب با استانداردهای دوگانه همراه هستند. در قرآن، فرعون با ملأ خود (اعراف، ۱۰۹) چنین فشارهایی اعمال می‌کرد.

۴) استضعاف نظامی (ایجاد رعب و بازدارندگی): این بعد با دو مکانیزم اصلی عمل می‌کند که امنیت را تهدید می‌کند:

۵) انحصارطلبی تسلیحاتی: جلوگیری از دستیابی کشورهای مستقل به فناوری‌های دفاعی استراتژیک و تحمیل تحریم‌های تسلیحاتی. کنترل تجارت اسلحه توسط قدرت‌های بزرگ.

۶) تبلیغات جنگ روانی: نمایش همیشگی قدرت نظامی برای ایجاد ترس و وحشت و سلب روحیه مقاومت در ملت‌ها. فیلم‌های هالیوودی و اخبار رسانه‌ای بخشی از این تبلیغات هستند. قرآن در سوره انفال آیه ۵۷، از ایجاد رعب در دشمنان سخن می‌گوید، اما مستکبران این را معکوس می‌کنند.

شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در پیامی به مناسبت ۱۳ آبان (Leader.ir)، استضعاف را نتیجه استکبار جهانی می‌داند و بر لزوم مبارزه با آن تأکید دارند.

۳. رابطه دیالکتیکی استکبار و استضعاف: تحلیل چرخه سلطه

این دو مفهوم، مانند دو روی یک سکه یا دو حلقه یک زنجیر هستند که یک چرخه معیوب سلطه را تشکیل می‌دهند. درک این رابطه دیالکتیکی برای شکستن دور باطل سلطه ضروری است و نشان می‌دهد که چگونه هر کدام دیگری را تقویت می‌کند. در مقاله استکبار و استضعاف در قرآن (حوزه نت، ۱۳/۰۸/۱۴۰۰)، این رابطه به عنوان دوقطبی شدن جامعه توصیف شده است.

جهت اول: استکبار ⇒ استضعاف (فرآیند فعال سلطه‌گری)

نظام مستکبر برای بقا و توسعه خود، به صورت ساختاری نیازمند تولید و بازتولید "مستضعف" است. این یک ضرورت وجودی برای آن است. این فرآیند از طریق مکانیزم‌های زیر انجام می‌پذیرد که هر کدام لایه‌ای از سلطه را اضافه می‌کند. شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای این را "تحقیر ملی و هویتی" می‌نامند (از "جرا استکبار و نه امپریالیسم؟"، Khamenei.ir، ۱۲/۰۸/۱۳۹۵).

تولید جهل و اباحه‌گری معرفتی: نظام مستکبر با ترویج سکولاریسم، پست مدرنیسم و نسبی‌گرایی اخلاقی، هرگونه پایگاه استوار معرفتی و اخلاقی را در میان مستضعفان متلاشی می‌کند. وقتی حقیقت مطلق نفی شود، هرگونه مقاومتی براساس "حق" ناممکن به نظر می‌رسد و تنها قدرت معیار عمل می‌شود. این تولید جهل، از طریق آموزش و رسانه انجام می‌شود. قرآن در سوره غافر آیه ۳۵، استکبار را با انکار آیات مرتبط می‌کند: «الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ

آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُّتَكَبِّرٍ جَبَّارًا.

تولید وابستگی سیستماتیک: با ایجاد نیازهای کاذب از طریق تبلیغات و کنترل زنجیره تأمین جهانی، کشورها را در موقعیتی قرار می‌دهد که برای کوچک‌ترین نیازهای تکنولوژیک، اقتصادی و حتی غذایی به مراکز استکبار وابسته شوند. این وابستگی، اهرم قدرتمندی برای اعمال فشار و اخاذی است. مثال‌هایی مانند وابستگی غذایی کشورهای آفریقایی به واردات. در قرآن، فرعون بنی‌اسرائیل را وابسته نگه می‌داشت (قصص، ۴).

تولید ترس و رعب روانی: با نمایش همیشگی قدرت نظامی خود در مانورها، فیلم‌ها و اخبار، و همچنین با عملیات‌های واقعی مانند حمله به کشورها، این باور را در اذهان عمومی جهان نهادینه می‌کند که مقاومت در برابر او، هزینه‌ای ویرانگر دارد و محکوم به شکست است. این ترس، اراده جمعی برای تغییر را تحلیل می‌برد. جنگ‌های مدرن مانند عراق و افغانستان نمونه‌هایی هستند. قرآن در سوره انفال آیه ۱۲، از ایجاد رعب در دل کافران سخن می‌گوید، اما مستکبران این را علیه مستضعفان استفاده می‌کنند.

اریک فروم در کتاب گریز از آزادی، استدلال می‌کند که ترس و احساس تنهایی ناشی از آزادی فردی در جوامع مدرن، انسان‌ها را به سمت پذیرش اقتدارگرایی و سلطه‌گران سوق می‌دهد (فروم، ۱۳۶۰، ص ۱۵۵).

تولید نخبگان وابسته: با اعطای بورسیه‌های تحصیلی، ایجاد شبکه‌های سیاسی و اقتصادی وابسته و فاسد، و ارائه امتیازات مادی، لایه‌ای از نخبگان کشورهای مستضعف را به خود وابسته می‌کند که در داخل، مجری سیاست‌های او هستند. این نخبگان اغلب در نقش مشاوران یا سیاستمداران عمل می‌کنند. در قرآن، ملاً فرعون چنین نخبگانی بودند (اعراف، ۱۰۹).

جهت دوم: استضعاف ⇒ استکبار (فرآیند غیرفعال بازتولید سلطه)

حالت استضعاف، به نوبه خود و اغلب به شکل ناخواسته، به تقویت و تداوم نظام مستکبر می‌انجامد. این همان حلقه بازخورد مثبتی است که چرخه را تقویت می‌کند و آن را پایدار می‌سازد.

تأمین منابع مادی و انسانی: مستضعفان، منابع اولیه (نفت، گاز، مواد معدنی)، بازار مصرف برای کالاهای صنعتی، و حتی نیروی کار ارزان و مغزهای نخبه (فرار مغزها) را برای نظام مستکبر تأمین می‌کنند. این منابع، پایه مادی قدرت و رفاه جوامع مستکبر را تشکیل می‌دهند. فرار مغزها از کشورهای در حال توسعه به غرب مثال بارز است.

تأمین مشروعیت ایدئولوژیک: حالت انفعال، تسلیم و تقلید کورکورانه مستضعفان، این توهم را در نظام مستکبر و ناظران بیرونی تقویت می‌کند که این نظام، بر حق، کارآمد و اجتناب‌ناپذیر است. این تصور، به توجیه اخلاقی و عقلانی سلطه کمک شایانی می‌کند. پذیرش مدل‌های غربی توسط نخبگان محلی این مشروعیت را افزایش می‌دهد.

بازتولید فرهنگی و هژمونی: هنگامی که یک ملت مستضعف، سبک زندگی، ارزش‌ها، مد، زبان و الگوهای مصرف مستکبر را می‌پذیرد، در واقع به شکل داوطلبانه در حال تقویت و انتشار گفتمان سلطه است. این پذیرش، هژمونی فرهنگی مستکبر را طبیعی و بدیهی جلوه می‌دهد. گسترش زبان انگلیسی و فرهنگ پاپ نمونه‌هایی هستند.

تضمین امنیت و انسجام داخلی مستکبر: وجود یک "دشمن خارجی" یا "دیگری" ضعیف و قابل استعمار، به نظام مستکبر کمک می‌کند تا با متمرکز کردن توجه افکار عمومی خود بر تهدیدات بیرونی، از تنش‌ها و تضادهای داخلی خود بکاهد و انسجام ملی را حفظ کند. این مکانیزم، در سیاست‌های داخلی غرب دیده می‌شود.

این چرخه، یک سیستم بسته و خودتقویت‌کننده است که به شکل یک "دور باطل" عمل می‌کند. شکستن این چرخه نیازمند یک مداخله آگاهانه، اراده جمعی و یک راهبرد همه‌جانبه است که از درون گفتمان مستضعفان برمی‌خیزد و بر پایه ارزش‌های الهی بنا می‌شود. شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای این چرخه را در کلام خود "مبارزه با استکبار جهانی" می‌نامند و بر لزوم بیداری مستضعفان تأکید دارند (از گزیده بیانات رهبری در مورد مستضعفین، سایت تابناک).

۴. تمدن غرب به مثابه نظام استکبار جهانی در اندیشه شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

در اندیشه تحلیلی-انقلابی رهبر شهید، تئوری استکبار-استضعاف از حیطة نظریه پردازی محض خارج شده و به یک لنز قدرتمند برای تحلیل دقیق و بی‌پرده مناسبات قدرت در جهان معاصر تبدیل می‌شود. ایشان با صراحت و شجاعت، تمدن غرب مدرن را به‌عنوان نمونه عینی و کامل نظام استکبار جهانی معرفی می‌کنند و آن را نه به‌عنوان یک پیشرفت طبیعی، بلکه به‌عنوان یک پروژه سلطه‌گر تحلیل می‌کنند. شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای می‌فرماید: استکبار امروز، غرب است که با سکولاریسم و مادی‌گرایی، جهان را به استضعاف کشانده (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴).

البته این به معنای ذات‌گرایی و یکسان‌نگاری تمام مؤلفه‌های تمدن غرب نیست؛ بلکه ناظر به ساختار سلطه‌گر حاکم بر نهادهای تصمیم‌گیر و جریان مسلط آن است. در مقابل، جریان‌های ضدامپریالیستی، عدالت‌خواه و دین‌باور در درون خود غرب (از جمله برخی مکاتب انتقادی، جنبش‌های ضدسرمایه‌داری و روشنفکران دینی غربی) نیز می‌توانند در منطق قرآنی مستضعف‌فکری قرار نگیرند و حتی بخشی از جبهه مقاومت محسوب شوند.

۴-۱. شاخصه‌های تمدن مستکبر غرب از منظر شهید امام خامنه‌ای

سکولاریسم رادیکال به‌عنوان بنیان معرفتی: ایشان تأکید می‌کنند که غرب، خدا و دین را به کلی از صحنه زندگی عمومی و خصوصی حذف کرده است. این امر منجر به بحران‌های عمیق معنوی، فروپاشی خانواده، افسردگی جمعی و از بین رفتن مبنایی استوار برای اخلاق شده است. در چنین سیستمی، هیچ مرجعیتی بالاتر از خواست و منفعت بشر وجود ندارد. این سکولاریسم، از دوران روشنگری آغاز شده و به ایدئولوژی غالب تبدیل شده است. قرآن این را با استکبار ابلیس مقایسه می‌کند که خدا را انکار کرد.

مادی‌گرایی افراطی به‌عنوان معیار ارزش‌گذاری: در تمدن غرب، سود و لذت به تنها اهداف و معیارهای زندگی تبدیل شده‌اند. حتی روابط انسانی، عواطف و فرهنگ نیز به

کالاهایی برای مبادله در بازار تبدیل می‌شوند. این نگاه، جهان را به یک بازار بزرگ تقلیل می‌دهد که در آن همه چیز، حتی انسان، قیمت دارد اما هیچ چیز ارزش ندارد. مصرف‌گرایی افراطی، نتیجه این مادی‌گرایی است. آیت‌الله العظمی خامنه‌ای این را بحران معنوی غرب می‌نامند.

لیبرالیسم به عنوان ایدئولوژی سلطه و تمیزه کردن جامعه: رهبر شهید، شعارهای فریبنده آزادی‌های لیبرال را نه به عنوان ابزار رهایی، بلکه به عنوان ابزاری برای تخریب هویت‌های جمعی (مانند خانواده، امت، ملت) و ایجاد جامعه‌ای از افراد منفرد و تمیزه می‌داند. چنین جامعه‌ای که فاقد پیوندهای عمیق اجتماعی است، به راحتی توسط رسانه‌ها و بازار قابل مدیریت و کنترل است. این ایدئولوژی، فردگرایی را به حد افراط می‌رساند.

استعمار نوین به شیوه‌ای پیچیده و پوشیده: ایشان بارها اشاره کرده‌اند که دوران استعمار کهنه با لشکرکشی مستقیم به پایان رسیده، اما استعمار نوین با ابزارهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به شکلی پیچیده‌تر و خطرناک‌تر ادامه دارد. در این مدل، بدون اشغال فیزیکی یک کشور، تمام ارکان حاکمیت آن (فرهنگ، اقتصاد، سیاست) تحت کنترل در می‌آید. گلوبالیزاسیون، پوششی برای این استعمار است. در مقاله استکبار و استکبارستیزی از دیدگاه رهبر انقلاب (قدس آنالین، ۱۳۹۵/۸/۱۲)، این شاخصه‌ها بررسی شده است.

۴-۲. مکانیزم‌های استضعاف سیستماتیک غرب در تحلیل شهید امام خامنه‌ای

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای با دقت نظری بالا، به تشریح ابزارهای نوین استضعاف از سوی نظام مستکبر غرب می‌پردازد و آنها را به عنوان بخشی از یک استراتژی کلان تحلیل می‌کنند:

جنگ نرم و تهاجم فرهنگی تمام‌عیار: ایشان بارها بر این موضوع تأکید کرده‌اند که خط مقدم مقابله امروز، خط فرهنگی است. دشمن اصلی، سرهنگ با سرنیزه نیست، بلکه استاد دانشگاه، هنرپیشه هالیوود و مدیر شبکه‌های اجتماعی است که با قلم، تصویر

و سخن، بنیان‌های فکری و ایمانی یک ملت را هدف می‌گیرند. اهداف این جنگ عبارتند از: القای شبهات در باورهای دینی، ترویج سبک زندگی غربی به‌عنوان آرمانشهر، تحقیر تاریخ پرافتخار اسلام و ایران، و عادی‌سازی روابط نامشروع. شبکه‌های اجتماعی مانند فیسبوک و اینستاگرام ابزارهای اصلی هستند.

تروریسم اقتصادی و تحریم‌های ظالمانه: از دیدگاه ایشان، تحریم‌ها صرفاً یک اقدام تنبیهی اقتصادی نیستند، بلکه شکلی از جنگ و تروریسم اقتصادی هستند. هدف نهایی تحریم‌ها، تحت فشار قرار دادن مردم یک کشور برای ناامید کردن آنان از نظام سیاسی خود و سلب اراده آنان برای مقاومت است. این یک استضعاف عمده و سیستماتیک برای شکستن اراده ملت‌هاست. تحریم‌های علیه ایران، مثال بارز این تروریسم است.

نفوذ سیستماتیک در ساختار حکومت‌ها: ایشان به‌طور مکرر به خطر "نفوذ" اشاره می‌کنند. نظام مستکبر سعی می‌کند از طریق جذب نخبگان، ایجاد شبکه‌های نفوذ در بدنه حکومت‌ها، و حمایت از گروه‌های خاص، تصمیم‌گیری‌های ملی را به نفع خود جهت دهد و حکومت‌های دست‌نشانده یا وابسته ایجاد کند. این نفوذ، اغلب از طریق سازمان‌های غیردولتی انجام می‌شود.

سلطه رسانه‌ای و ساختن روایت: در عصر اطلاعات، قدرت اصلی در دست کسی است که روایت‌سازی می‌کند. ایشان اشاره می‌کنند که شبکه‌های خبری بزرگ غربی مانند BBC و CNN، با جعل واقعیت، سانسور اخبار، بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی، در حال ساختن ذهنیت عمومی جهان به نفع نظام مستکبر هستند. آنها با این کار، جنایت‌های خود را توجیه و مقاومت‌های مردمی را تروریسم جلوه می‌دهند. مثال‌هایی مانند پوشش خبری جنگ غزه این را نشان می‌دهد.

ایشان تأکید می‌کنند که غرب با ایجاد "استضعاف فکری" و "خودباختگی فرهنگی"، بزرگترین مانع را در برابر بیداری اسلامی ایجاد کرده است؛ چراکه تا زمانی که یک ملت، "خود"ی برای بازگشت به آن نداشته باشد و ظرفیت‌های تمدنی خویش را باور نکند، هرگز برای تغییر وضع موجود و ایستادگی در برابر سلطه اقدام نخواهد کرد. این تحلیل، بر پایه بررسی تاریخی و معاصر بنا شده است. در "پیام به مناسبت ۱۳ آبان روز

مبارزه با استکبار جهانی" (Leader.ir)، ایشان بر پیشینه تاریخی استکبارستیزی تأکید دارند.

۵. گفتمان مقاومت فعال: راهبرد شکستن چرخه سلطه و احیای اراده مستضعفان

در برابر این چرخه شوم و سیستماتیک، گفتمان انقلاب اسلامی، راهبرد مقاومت فعال را نه به عنوان یک انتخاب تاکتیکی، بلکه به عنوان یک ضرورت استراتژیک و تنها راه نجات پیشنهاد می دهد. از منظر شهید آیت الله العظمی خامنه ای علیه السلام، مقاومت تنها یک شعار یا یک عمل دفاعی انفعالی نیست، بلکه یک راهبرد کلان، تهاجمی و حیات بخش برای خروج از وضعیت انفعال و شکستن تمامی حلقه های استضعاف است. هدف نهایی این راهبرد، محقق ساختن وعده الهی «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص، ۵) است؛ یعنی تبدیل شدن مستضعفان از ابژه تاریخ به سوژه تاریخ، از مطیع به امام و از تحت ستم به وارث زمین. این وعده، نه تنها یک امید، بلکه یک سنت الهی است که با تلاش محقق می شود. در مولفه های مقاومت در کلام رهبر شهید، استکبارستیزی به عنوان شاخصه اصلی مقاومت توصیف شده است. مرتضی مطهری در کتاب قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، این تحول را براساس سنت های الهی و فلسفه تاریخ قرآنی تحلیل کرده و ظهور منجی را نقطه عطف خروج مستضعفان از استضعاف و برپایی حکومت صالحان می داند (مطهری، ۱۳۷۷، صص ۴۵-۵۰).

۵-۱. ماهیت مقاومت فعال

فعال و پیش قدم شدن به جای منفعل: به جای آنکه منتظر باشد دشمن میدان نبرد را تعیین کند و سپس واکنش نشان دهد، جبهه مقاومت است که با تشخیص نقاط ضعف دشمن، ابتکار عمل را در دست گرفته و میدان های جدیدی از تقابل را ایجاد می کند. این مقاومت، منتظر حمله دشمن نمی ماند، بلکه با تقویت مستمر خود، امکان حمله را از دشمن سلب می کند. مثال هایی مانند ابتکارات محور مقاومت در خاورمیانه این را نشان

می‌دهد. قرآن در سوره محمد آیه ۳۵، بر عدم سستی در مقاومت تأکید دارد: «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَعْمَالِكُمْ».

عقلانی، حساب‌شده و مبتنی بر تدبیر: مقاومت به هیچ وجه به معنای خشونت‌کور، افراطی‌گری و رفتارهای احساسی و غیرقابل پیش‌بینی نیست. بلکه مبتنی بر محاسبات دقیق استراتژیک، درک نسبت قوا، و استفاده بهینه از تمام ظرفیت‌های مادی و معنوی موجود است. این عقلانیت، از آموزه‌های قرآنی مانند «أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال، ۶۰) برگرفته شده است.

همه‌جانبه و سیستمی: مقاومت نمی‌تواند تنها در یک عرصه (مثلاً نظامی) متمرکز شود. برای شکستن چرخه پیچیده سلطه، می‌بایست به شکل همزمان و هماهنگ در تمام عرصه‌هایی که استضعاف ایجاد می‌شود، جاری و ساری شود. این همه‌جانبگی، کلید پایداری است.

۲-۵. ابعاد مقاومت فعال در عمل

مقاومت فکری و فرهنگی (اساسی‌ترین بُعد): این بُعد، پایه و اساس همه ابعاد دیگر مقاومت است. بدون پیروزی در این عرصه، مقاومت در سایر زمینه‌ها پایدار نخواهد بود. مصادیق آن عبارتند از:

خودباوری و بازگشت به هویت اصیل: با مطالعه تاریخ تمدن اسلامی-ایرانی، شناخت توطئه‌های استعمار و درک ظرفیت‌های موجود، اعتماد به نفس ملی و دینی را احیا کردن. برنامه‌های آموزشی و فرهنگی برای نسل جوان کلیدی است.

مقاومت در برابر جنگ نرم: با تولید علم بومی، تقویت گفتمان انقلاب اسلامی در دانشگاه‌ها، فعالیت‌های رسانه‌ای هوشمندانه و تولید محتوای جذاب و عمیق در فضای مجازی. ایجاد شبکه‌های رسانه‌ای مستقل مانند پرس تی‌وی.

حفظ و تقویت بنیان خانواده: به‌عنوان کانون انتقال ارزش‌ها و هویت به نسل آینده. برنامه‌های حمایت از خانواده در برابر تهاجم فرهنگی.

مقاومت در برابر شیخون فرهنگی: با نظارت بر محصولات فرهنگی وارداتی و تولید

- داخلی آثار فاخر هنری و ادبی. جشنواره‌های فرهنگی برای ترویج ارزش‌های اسلامی. شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای علیه السلام بر خط فرهنگی به‌عنوان خط مقدم تأکید دارند.
- مقاومت اقتصادی (تجلی عینی استقلال): تجلی عملی و ملموس این بعد، "اقتصاد مقاومتی" است که توسط رهبر شهید تبیین شده است. اقتصاد مقاومتی مدلی است که:
- درون‌زا است: حلقه‌های واسطه تولید داخلی را تکمیل و وابستگی به خارج را به حداقل می‌رساند. تمرکز بر صنایع کوچک و متوسط.
 - برون‌گرا است: اما این برون‌گرایی هوشمندانه، فعال و از موضع قدرت است، نه انفعالی. تجارت با کشورهای همسو مانند اعضای بریکس.
 - دانش‌بنیان است: بر پایه نوآوری و فناوری‌های روز بنا شده تا بتواند در میدان رقابت جهانی بایستد. سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دانش‌بنیان.
 - عدالت‌محور است: شکاف طبقاتی را کاهش می‌دهد و باعث تقویت انسجام ملی می‌شود. برنامه‌های حمایتی برای اقشار کم‌درآمد.
 - پاسخ‌گو به تحریم است: با طراحی مکانیزم‌های خاص، اثرات تحریم را خنثی یا کم‌اثر می‌کند. این مدل اقتصادی، مهمترین ابزار استضعاف (یعنی وابستگی اقتصادی) را خنثی می‌سازد. پیشرفت‌های ایران در حوزه نفت و گاز علی‌رغم تحریم‌ها مثال است.
 - مقاومت سیاسی (حفظ حاکمیت ملی): این بعد به معنای ایستادگی بر اصول و حفظ استقلال در عرصه بین‌المللی است:
 - حفظ استقلال تمام‌عیار: عدم پذیرش هرگونه سلطه‌پذیری و دخالت بیگانگان در سرنوشت کشور، حتی تحت عنوان‌های فریبنده مانند "همکاری‌های بین‌المللی". رد توافقات ناعادلانه.
 - اتکا به قدرت مردمی: مشروعیت نظام سیاسی را نه از بیگانگان، بلکه از رای و اراده مردم خود بگیرد. انتخابات مردمی و مشارکت عمومی.
 - دیپلماسی فعال و عزت‌مند: داشتن روابط فعال با جهان، اما از موضع عزت و نه

ذلت، و براساس منافع ملی تعریف شده. دیپلماسی عمومی و روابط با جنبش‌های آزادی‌خواه.

- مقاومت نظامی و امنیتی (ضامن نهایی امنیت): این بُعد به معنای تقویت مستمر قدرت بازدارندگی است:

- توسعه علمی و بومی صنایع دفاعی: دستیابی به فناوری‌های راهبردی به گونه‌ای که دشمن از حمله مستقیم منصرف شود. موشک‌های بالستیک و پهپادهای ایرانی مثال هستند.

- هوشیاری امنیتی: مقابله با توطئه‌های براندازی نرم، نفوذ و جنگ ترکیبی. تقویت نهادهای اطلاعاتی.

این مقاومت همه‌جانبه، چرخه استکبار-استضعاف را به‌طور هم‌زمان در چندین جبهه درهم می‌شکند. هنگامی که یک ملت از نظر فکری به خودباوری برسد، دیگر پذیرای فرهنگ استعماری نیست. هنگامی که از نظر اقتصادی خوداتکا شود، اهرم فشار دشمن بی‌اثر می‌شود. و هنگامی که از نظر سیاسی مستقل عمل کند، به بازیگری تأثیرگذار در صحنه جهانی تبدیل می‌شود. این همان فرآیندی است که مستضعف را از حالت شیء بودن و ابژه تاریخ بودن خارج کرده و به سوژه تاریخ و سازنده آینده خویش تبدیل می‌کند. گفتمان مقاومت فعال، نقشه راهی برای تحقق این دگرگونی تاریخی است و بر پایه ایمان، عقلانیت و عمل بنا شده است.

۶. نتیجه‌گیری

مفاهیم قرآنی استکبار و استضعاف در یک رابطه دیالکتیکی و چرخه‌ای ناگسستنی با یکدیگر قرار دارند. استکبار برای تثبیت خود، نیازمند تولید استضعاف است و استضعاف، به نوبه خود، بازتولیدکننده استکبار. این چرخه سلطه، الگویی کلان برای تحلیل پویایی‌های قدرت در تاریخ و جهان معاصر ارائه می‌دهد. رهبر شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای علیه السلام با بهره‌گیری از این چارچوب تحلیلی قرآن‌محور، تمدن غرب را به‌عنوان مصداق بارز نظام استکبار جهانی معرفی کرده و مکانیزم‌های پیچیده و نوین

استضعاف سیستماتیک آن را در عرصه‌های فکری، اقتصادی، سیاسی و رسانه‌ای تشریح نموده‌اند.

هرچند ایشان و این نوشتار بر سلطه‌گری ساختاری غرب به مثابه یک پروژه تمدنی تأکید دارند، اما این تحلیل نافی وجود جریان‌های نقدکننده، عدالت‌خواه و حتی مقاوم در درون خود جوامع غربی نیست؛ جریان‌هایی که از منظر قرآنی می‌توانند هم‌راستا با مستضعفان عالم قرار گیرند.

در برابر این چرخه، گفتمان مقاومت فعال که قلب تپنده انقلاب اسلامی است، به‌عنوان راهکاری الهی-انسانی برای شکستن این دور باطل ارائه شده است. این گفتمان، با تبدیل مقاومت از یک موضع دفاعی به یک راهبرد تهاجمی و همه‌جانبه، درصدد است تا با احیای اراده، خودباوری و قدرت عمل در میان مستضعفان، آنان را از حالت انفعال خارج کرده و به بازیگران اصلی صحنه تقابل تاریخی حق و باطل تبدیل کند؛ بنابراین، چارچوب تحلیلی استکبار-استضعاف-مقاومت، نه تنها برای تبیین وضع موجود، بلکه برای ترسیم نقشه راه آینده امت اسلامی و همه ملت‌های تحت ستم، الگویی کارآمد، راهگشا و امیدبخش به شمار می‌آید. این الگو نشان می‌دهد که پیروزی نهایی، از آن مستضعفانی است که با تکیه بر ایمان و اراده خود، چرخه سلطه را درهم می‌شکنند و عصر جدیدی از حیات بشری را رقم خواهند زد.

منابع

* قرآن کریم.

** نهج البلاغه.

داوری اردکانی، رضا. (۱۳۹۴). غربزدگی و خودباختگی. در: ما و راه دشوار تجدد. تهران: نشر ساقی.

شهید امام خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۵/۸/۹). بیانات رهبر شهید در دیدار جمعی از دانشجویان و دانش‌آموزان،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2817>

شهید امام خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۵/۳/۲۵). بیانات رهبر شهید در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام،

<https://www.leader.ir/fa/media/play/17195?year=1395&type=0&page=25>

شهید امام خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۳/۱۲/۲۲). بیانات رهبر شهید در دیدار رضایی دانشجویان

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=59664>

شهید امام خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۴/۴/۳۱). بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28776>

شهید امام خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۸/۹/۶). بیانات در دیدار بسیجیان،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44267>

شهید امام خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۸/۴/۴). بیانات رهبر انقلاب اسلامی در جمع ائمه جمعه و روحانیون

farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7739

شهید امام خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۲/۰۶/۱۴). بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23810>

شهید خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۱). بیانیه جهاد اقتصادی.

شهید خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۳). بیانیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

فوکو، میشل. (۱۳۹۰). ایرانیان چه رؤیایی در سر دارند؟ (مترجم: حسین معصومی همدانی). در:

گفتارهایی درباره ایران. تهران: نشر هرمس.

فروم، اریک. (۱۳۶۰). گریز از آزادی (مترجم: عزت‌الله فولادوند). تهران: نشر مروارید.

فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۹۵). پایان تاریخ و واپسین انسان (مترجم: عباس عربی). تهران:

سخنکده.

گرامشی، آنتونیو. (۱۴۰۳). دفترهای زندان (مترجم: حسن مرتضوی). تهران: نشر چرخ

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ. تهران: صدرا.